

خیابان پشتیبان اقتدار و عزت در مذاکرات



رسول‌سانائی‌راد

کارشناس سیاسی

سرناجم پس از چهل روز مقاومت جانانه و قهرمانانه ایران در برابر حمله جنایتکارانه محور شرارت امریکایی-صهیونی و ناگامی دشمن در رسیدن به اهداف و ناملیدی از آینده و ادامه جنگ، ضرب‌الاجل‌های پیاپی برای تشدید جنایت‌ها، منجر به پذیرش آتش بس و مذاکره بر مبنای طرح ۱۰ مادای ایران شد.

خود این رویداد را ناظران و مفسران سیاسی و نظامی شکست راهبردی امریکا برشمرده و نشانه‌ای از دست برتر ایران در جنگ رمضان دانسته‌اند. حال با سکوت در میدان (عرصه جنگ)، نوبت به دیپلماسی و مذاکره برای نقد نتایج میدان و دستاوردهای چهل روز مقاومت زرمندانگ‌ل میدان و حضور حماسی مردم در خیابان شده است که انتظار می‌رود تیم مذاکره کننده آن را دنبال کنند.

واقیعت این است که مذاکرات ادامه همان جنگ است که طرفین تلاش

می‌کنند یا ضربه و فشار، طرف مقابل را نابود یا به عقب‌نشینی و تسلیم وادار سازند و تنها در این عرصه ابزار و روش‌های عمل متفاوت است. با وجود این برخی ابزار و روش‌های مشترک هم وجود دارد که مهم‌ترین آن جنگ روانی و رسانه می‌باشد. با این روش و ابزار، سیاست‌های مشترک دو عرصه کارزار مثل، ایجاد هراس، بی‌اعتمادسازی، بی‌اعتبار سازی، اختلاف افکنی، ناامیدسازی و… علیه جامعه آماج دنبال و پیاده می‌شود.

همان‌گونه که فرماندهان و زمندگان عرصه میدان نیازمند پشتیبانی و حمایت مردمی و اعتماد به نفس و اطمینان خاطر برای پیشبرد اهداف و اجرای عملیات هستند، تیم مذاکرات نیز باید از این حمایت برخوردار و از آن به عنوان برگه اصلی قدرت به انضمام دستاوردهای میدان استفاده و آن را اهرم فشار و چانه‌زنی برای کسب امتیاز یا خودداری از واگذاری امتیاز قرار دهند، چراکه منطق حاکم بر مذاکرات

بده بستان است و این دست پر و پرگه قدرت است که نه تنها به دیپلمات توان چانه‌زنی می‌دهد بلکه توانمندی و مهارت او را در اتکا به قدرت و اعتماد به نفس نیز تقویت و مشروعیت کنشگری سر میز مذاکره را به رخ دشمن می‌کشد. بدیهی است وقتی با دشمنی خبیث، حیله گر، متکبر، بده‌دهد، پیمان شکن، بی‌اعتنا به تمامی معیارهای حقوقی، انسانی و اخلاقی مثل باند مافیای فاسد حاکم بر کاخ سفید مواجه باشیم، حمایت از مذاکره کنندگان ضرورت بیشتر خواهد داشت.

همان‌گونه که امریکایی‌ها از آشوب داخلی به عنوان زمینه جنگ سوم استفاده و توهم تداوم آن حین جنگ سوم و یکسره کردن سرنوشت

کشور با فروپاشی یا تسلیم داشتند، امروز هم به دنبال ایهام افکن،

اختلاف‌اندازی و بی‌اعتمادسازی بین مردم و مسئولان و ممانعت از دستیابی ایران به برتری در میز مذاکرات برآمده‌اند.

دشمن برای پیشبرد اهداف خبیثانه خود هیچ مز و معیاری به رسمیت نمی‌شناسد و همان‌گونه که در جنگ نظامی وقیحانه تمام مزهای شرارت را چایه‌جا و برای دستیابی به اهداف از انجام جنایت‌ها ساخت

روایت را به کار گرفت، در کارزار دیپلماسی هم شوره‌رانه از هر روش و ابزاری برای فشار بر ایران و فرسایش قدرت یا خشنی کردن برگ‌های قدرت ما استفاده خواهد کرد که برای مقابله با خیانت‌او و حفظ دست برتر خود، تمام کسانی که دغدغه حفظ قدرت و عزت در برابر دشمن دارند، امروز باید به حمایت از دیپلماسی اهتمام ورزند که در این راستا، سرآمد اقدامات عبارت‌اند از:

۱. حفظ بدبینی به دشمن و اعتماد به اصل مذاکرات به‌عنوان تصمیم نظام و نه فشار دشمن یا تحمیل عناصر نفوذی و اعتماد به مذاکره کنندگان به عنوان زمندگان ایرانی در عرصه دیپلماسی

۲. ادامه حضور در خیابان برای ممانعت از سیاست پادوهای دشمن و عناصر خائن وطن فروش و اعلام حمایت از سیاست برنامه نظام در مذاکرات و پشتیبانی از مطالبات کشور در میز مذاکره

۳. بی‌اعتنایی به خطوط القایی دشمن و امپراتوری رسانه‌ای آن و ملاک قرار دادن اخبار و اطلاعات مرجع رسمی داخلی

با عنایت به نقش تعیین کننده پیوند بین اقتدار و عزت با دیپلماسی و مرجعیت مردمی این اقتدار است که رهبر فرزانه انقلاب، امام‌خامنه‌ای حفظه‌الله در پیام اخیرشان خطاب به ملت بزرگ ایران اعلام داشتند: فریادهای شما در میدان، در نتیجه مذاکرات مؤثر است، وظیفه مردم در این حضور در میدان در دوره مذاکرات، سنگین‌تر از قبل است. قبل از این، مردم با انگیزه و اراده حفظ عزت، چهل شب را در حمایت از رزمندگان اسلام در نبرد نظامی به خیابان آمدند و خروجی آن پیروزی برای کشور عزیزمان شد و اینک نوبت به مرحله دیگری از این حضور حماسی و هوشمندانه‌است که با حصول نتیجه در عرصه کارزاری دیگر بجزول‌الله ادامه و باذن الله محقق خواهد شد.

مخبر آخر

قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا:

نیروهای مسلح آماده و دست به ماشه‌اند

قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا (ص) در پیامی به امت اسلامی ایران ضمن تأکید بر مراقبت از تفرقه‌افکنی و فتنه‌انگیزی دشمنان تأکید کرد: به دلیل بد عهدی‌های مکرر دشمنان امریکایی و صهیونیستی در گذشته، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همچنان همانند دوران جنگ تحمیلی سوم و ۴۰ شبانه‌روز نبرد نامتقارن در آمادگی کامل بوده و دست بر ماشه هستند.

در ادامه این پیام آمده است: دشمنان امریکایی و صهیونیستی آنچه را که در میدان عمل در نبرد ۴۰ روزه دیدند برای خود یادآوری کنند که نیروهای مسلح غرور آفرین و پر افتخار با پشتوانه و حمایت مردم مجاهد و باهری حکیمانه فرمانده معظم کل‌قوا (مدظله‌العالی) و هم‌زمان ادامه دارد، آتش‌های به اصطلاح برتر جهان در امریکا و رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده و به شکست واکذاشتند و آنها را با توکل بر خداوند متعال تسلیم اراده ای الهی خویش ساختند. همانطور که رهبر عزیزمان فرمودند، اعلام می‌داریم، حتماً متجاوزین تبهکاری که کشور ما را مورد حمله قرار دادند را رها نمی‌کنیم و مدیریت تنگه هر مز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم کرد و ابتکار عمل برای تسلط به آن تنگه را حفظ خواهیم کرد و به هیچ وجه از حقوق حقه خود دست نمی‌کشیم، با توجه به یکپارچگی جبهه مقاومت، در صورت تداوم حیات دشمن به حزب‌الله و مردم مظلوم لبنان به ویژه صاحب، به آن سلاح گویند و در بزنگ خواهیم داد. در پایان این پیام آمده‌است: امت اسلامی ایران می‌خواهیم مراقب تفرقه افکنی و فتنه انگیزی دشمنان باشند و حضور شجاعانه، مجاهدانه و وحدت بخش خود در میدان و خیابان‌ها را حفظ کنند.

۲ جوان

| روزنامه جوان | شماره ۷۵۷۱ | شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ | ۲۲ شوال ۱۴۴۷ |

خبر

دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای با اشاره به تماس‌های مکرر افشاری از مردم و اندوه آنان از برخی مواضع ناروا در دوران حیات حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (رضوان‌الله‌علیه) تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های دروغ‌پرآن دشمن، تأکید کرد: همه این عزیزان آسوده خاطر باشند زیرا آن‌ام شهید همواره همه ملت ایران را فرزندان خود می‌دانستند و چنین عزیزی را می‌بخشیدند و حلال می‌کردند.

در اطلاعیه دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی آمده است: به اطلاع ملت عزیز، شریف، آزاده و دلیر ایران می‌رساند افشاری از مردم در تماس با دفتر با اندوه فراوان از اینکه تحت تأثیر تبلیغات دروغین شبکه‌های دروغ‌پرآن دشمن، مواضع ناروا و احياناً جسارت‌هایی نسبت به ساحت والای رهبر عالیقدر، امام شهید (رضوان الله

تحلیل

فائزه سادات یوسفی

پاسخ

| روزنامه جوان | شماره ۷۵۷۱ | شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ | ۲۲ شوال ۱۴۴۷ |

در اطلاعیه دفتر رهبر انقلاب در خصوص طلب حلالیت از امام شهید عنوان شد

رهبر شهید انقلاب از همه ملت ایران رضایت داشت



تعالی علیه) داشته‌اند و موفق به طلب حلالیت نشده‌اند اظهار تأسف کرده، کسب تکلیف می‌کنند.

با توجه به پاسخ مکرر ایشان به موارد مشابه در زمان حیات پیر برکت

دیپلماسی نقد کردن دستاوردهای جنگ با پشتوانه «میدان و خیابان»

مخبر آخر



خود را آغاز کرد. در راهبرد جنگ امریکا و رژیم

صهیونیستی، وقوع جنگ خیابانی و فعال شدن کانون‌های مسلح تروریستی در داخل و مرزها تکمیل کننده بازل جنگ علیه ایران و به زعم آنها پایان دادن به جمهوری اسلامی بود.

اما آنچه در واقعیت روی داد، بر خلاف تصور و محاسبات دشمن بود. حوادث تلخ دی‌ماه، بر عکس آنچه مغرب رو حیه مردم باشد، نقطه آشکارساز توطئه دشمنان شد. به همین دلیل از همان ابتدا، مردم با حضور بررنگ خود در میادین و خیابان‌ها، نقشه دشمن برای راه‌اندازی جنگ داخلی و ورود تروریست‌های مستقر در مرزها را ناکام گذاشتند و حمایت محکم و مستمر خود از حاکمیت و نیروهای مسلح را در معرض دید دشمن قرار دادند.

■ **خلق حماسه در پیوند خیابان و میدان**

هم‌زمان با حماسه خیابانی، در میدان نیز قوای تضعیف امنیت و بی‌ثباتی در جامعه و اثرگذاری بر افکار عمومی در پس زمینه حملات میدانی، اقدامی برای تضعیف واکنش نظامی کشور بود. دشمن به حساب آنکه با دستکاری افکار عمومی بر ضد حاکمیت و نیروهای امنیتی و کاهش اعتماد عمومی مسیر خود را برای برد در جنگ فراهم کرده، چندی پس از آن حملات تروریستی

خبر

پاسخ

| روزنامه جوان | شماره ۷۵۷۱ | شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ | ۲۲ شوال ۱۴۴۷ |

در اطلاعیه دفتر رهبر انقلاب در خصوص طلب حلالیت از امام شهید عنوان شد

رهبر شهید انقلاب از همه ملت ایران رضایت داشت

خود که بارها فرمودند «همه ملتٔ ایران فرزندان من هستند و من دعاگوی آنها هستم و چنین عزیزی را هم بخشیده و حلال کرده و خواهم کرد» اعلام می‌داریم که همه این عزیزان آسوده خاطر باشند که مورد بخشش آن دل مهربان که همچون اقیانوس همه مردم را در خود گنجانده بود، هستند و نشانه این رضایت را در همین حضور یکپارچه و حماسی و دل‌های دشمن‌شکن یکپاک‌یک مردم عزیز می‌توان مشاهده کرد که خداوند با لطف خود همه دیوارهای جدائی را از میان آنها برداشته و همگان با شاعر الله‌اکبر، بر چم کلمه‌الله می‌العبیا را برافراشته‌اند و با توکل بر خدا، همدل و همسو و همگام جز به پیروزی بر دشمن پلید بشیریت نمی‌اندیشند. محکم بایستید و یقین بدانید که دعای سیدالشهدای تاریخ ایران شامل یکپاک‌یک شما مردم عزیز بوده و خواهد بود و همین ثبات قدم شماسبت که نصرت الهی و فتح قریب‌را نوید می‌دهد که فرمودان **تَضَرُّوا اللهَ یَنْصُرْکِم وَیَبْتَغِ اَقْدانَکِم**.

دیپلماسی نقد کردن دستاوردهای جنگ با پشتوانه «میدان و خیابان»

مخبر آخر

آن را رسوا ساخت.

همراه با این رویداد، ایجاد زنجیره انسانی به دور مناطق مهم و حیاتی از جمله مراکز تولید انرژی و پل‌ها توسط مردم مورد اقبال بسیاری از رسانه‌ها

و مردم جهان واقع شد و آنها را شگفت زده کرد.

امری که نشان می‌داد ایرانیان همپا یا فعالیت‌های نیروهای مسلح و تصمیمات حاکمیت، با همه توان خود در تمامی عرصه‌های دفاع از کشور حضور می‌یابند. به طور مضاعف، مردم ایران در برابر تشدید حملات تروریستی به جای عقب نشینی و ناامیدی، مصمم‌تر و با انگیزه‌تر می‌شوند و با دفع تهدیدات دشمن، حلقهٔ اراده و تصمیم

متجاوزان را تنگ‌تر می‌کنند. علاوه بر این، عرصه میدان خیابان‌ها با حمایت و پشتیبانی از اقدامات نیروهای نظامی، سبب قوام‌بخشی و تحکیم راهبرد کلان سیاسی و نظامی حاکمیت در جنگ شده است. هر اقدامی از سوی هر دولتی نمی‌تواند بدون پشتیبانی مردم به مقصد برسد و نیازمند همراهی، اعتماد و مشارکت فعال آنان است. در واقع، پیوند میان حمایت مردمی و تصمیمات حاکمیت، ضامن پیروزی در رویارویی‌های راهبردی و حفظ انسجام ملی در شرایط بحرانی می‌باشد.

در نتیجه، هماهنگی و هم‌افزایی میدان و خیابان به عنوان دور کن اصلی اداره جنگ رمضان تاکنون هم موجب پیروزی ایران شد و هم توانسته توان و ظرفیت داخلی ایران واقعی را برای دشمن ترسیم کند. اکنون هم مردم عرصه خیابان‌ها را رها نمی‌کنند و هم نیروهای مسلح با نگاه بدبینانه به هر آتش بسی که با دشمنی غیرمتعهد بسته شود، دستشان را روی ماشه گذاشته‌اند. بر اثر این هم‌افزایی این روزویداد، دیپلماسی هم با پشتوانه همین دو رکن، پیروزی میدان را در نبرد سیاسی تثبیت خواهد کرد.

■ **تثبیت موفقیت‌های میدانی با دیپلماسی**

در این ترتیب، در اثر هماهنگی و هم‌افزایی دو جبهه، تاب‌آوری اجتماعی و روانی است که به حفظ انسجام داخلی، کنترل فشارهای روانی ناشی از جنگ، مدیریت افکار عمومی و استمرار اعتماد اجتماعی به نهادهای حاکمیتی مربوط می‌شود. تجربه جنگ‌های معاصر نشان داده است که بدون پشتوانه اجتماعی و سرمایه اعتماد، حتی قدرت‌مندترین توان نظامی نیز در معرض فرسایش درونی قرار می‌گیرد.

در کنار این سطوح، عنصر یادگیری در حین بحران و جنگ نیز جایگاهی اساسی دارد. طرف‌های درگیر در این جنگ به‌طور مستمر در حال اصلاح تاکتیک‌ها، بازآزمایی در الگوهای عملیاتی و ارتقای ظرفیت‌های خود در سایه نوعی صبر راهبردی هستند و هر طرفی که از این ظرفیت بیشتر استفاده را خواهد داشت، سرعت تطبیق و توان اصلاح خواهد داشت. هم‌زمان، توان مدیریت بحران و تاب‌آوری جنگ، در این نوع جنگ، سرعت واکنش، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری مانند دلدل تجهیزات باربرتری کلاسیک‌نظلی، نتیجه یک خارج می‌شود و در برابر معادله جدیدی قرار می‌گیرد که در آن حواسه مردم و قدرت نظامی و چانه‌زنی هوشمندانه در یک جهت و در راستای تأمین منافع نه فقط ایران بلکه کل مقاومت منطقه حرکت می‌کنند.

مقاومت منطقه مشهود و در کل معادله جنگ

علیه متجاوزان اثر گذار است. از سوی دیگر، خلق حماسه بی‌بدیل و خستگی‌ناپذیر مردم در عرصه میدان خیابان‌ها، با نمایاندن جامعه واقعی ایرانی در رسانه‌های خار‌جی، یک بار‌دارندگی چند منظوره را ایجاد نقطه‌ای است که دیپلماسی مقاومت را از حالت تدافعی خارج می‌کند و آن را به ابزاری تهاجمی برای تثبیت موفقیت‌های میدانی تبدیل می‌نماید. بنابراین، طبق این فرایند، روند دیپلماسی در آنچه که دشمن می‌خواهد یعنی آتش بس تحمیلی خارج می‌شود و در برابر معادله جدیدی قرار می‌گیرد که در آن حواسه مردم و قدرت نظامی و چانه‌زنی هوشمندانه در یک جهت و در راستای تأمین منافع نه فقط ایران بلکه کل مقاومت منطقه حرکت می‌کنند.

مقاومت منطقه مشهود و در کل معادله جنگ

علیه متجاوزان اثر گذار است. از سوی دیگر، خلق حماسه بی‌بدیل و خستگی‌ناپذیر مردم در عرصه میدان خیابان‌ها، با نمایاندن جامعه واقعی ایرانی در رسانه‌های بیگانه و خار‌جی، یک بار‌دارندگی چند منظوره را ایجاد نقطه‌ای است که دیپلماسی مقاومت را از حالت تدافعی خارج می‌کند و آن را به ابزاری تهاجمی برای تثبیت موفقیت‌های میدانی تبدیل می‌نماید. بنابراین، طبق این فرایند، روند دیپلماسی در آنچه که دشمن می‌خواهد یعنی آتش بس تحمیلی خارج می‌شود و در برابر معادله جدیدی قرار می‌گیرد که در آن حواسه مردم و قدرت نظامی و چانه‌زنی هوشمندانه در یک جهت و در راستای تأمین منافع نه فقط ایران بلکه کل مقاومت منطقه حرکت می‌کنند.

تاب‌آوری هوشمند رمزپیروزی در جنگ رمضان



داود عامری

کارشناس سیاسی

جنگی تحمیلی که از اسفندماه علیه ایران از سوی امریکا و رژیم اسرائیل آغاز شد و به‌دلیل هم‌زمانی با ماه مبارک رمضان، در برخی تحلیل‌ها «جنگ رمضان» نام گرفت، به‌سرعت به یکی از پیچیده‌ترین و چند لایه‌ه منازعات دهه‌های اخیر تبدیل شد. این جنگ، برخلاف الگوهای کلاسیک، صرفاً یک تقابل نظامی محدود نیست، بلکه نمونه‌ای از «جنگ ترکیبی» چندوجهی

و فراگیر منطقه‌ای است که در آن ابعاد نظامی، سایبری، اطلاعاتی، اقتصادی و روانی به‌صورت هم‌زمان و درهم تنیده در سطح منطقه‌ای عمل می‌کنند. در چنین محیطی، مرز میان جنگ‌ها به‌شدت کمرنگ شده و میدان درگیری از جغرافیاسی فیزیکی به سطوح ادراکی و شبکه‌ای نیز گسترش یافته است. در این چارچوب، مفهوم «تاب‌آوری هوشمند» به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه‌های بقا و پیروزی، اهمیت بنیادین می‌یابد؛ مفهومی که در دین پیش‌بینی تهدیدها، انطباق سریع با شرایط متغیر، بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده و یادگیری مستمر در دل بحران دلالت دارد.

در ساعات و روزهای ابتدایی جنگ، حملات گسترده به زیرساخت‌های حیاتی، مراکز فرماندهی و شبکه‌های کلیدی، نوعی «شوک راهبردی» ایجاد کرد. در مقابل، پاسخ‌های سریع و چندلایه، جنگ را به سطحی فراتر از یک منازعه محدود کشاند و آن را وارد مرحله‌ای منطقه‌ای، فرسایشی و پیچیده‌تر کرد. در این مرحله، مسئله اصلی نه کسب پیروزی فوری بلکه حفظ بقا، انسجام نهادی و جلوگیری از اختلال در نظام تصمیم‌گیری بود. دقیقاً در چنین نقطه‌ای است که تاب‌آوری هوشمند نقش حیاتی خود را ایفا می‌کند؛ زیرا نحوه مدیریت شوک اولیه، تعیین‌کننده تسامم یک سیستم است. استمرار کارکرد ساختارهای دفاعی و توان پاسخ متقابل، حتی در شرایط آسیب‌پذیگی برخی لایه‌های فرماندهی، نشان می‌دهد که وجود ساختارهای چندلایه، غیرمتمرکز و منعطف تا چه اندازه در افزایش ظرفیت بازدارندگی مؤثر است.

تاب‌آوری هوشمند در این جنگ را می‌توان در چند سطح کلیدی تحلیل کرد: نخست، تاب‌آوری اطلاع‌رسانی و شناختی است؛ سطحی که به توان تولید، پردازش و مدیریت پیام در شرایط بحران و همچنین پاسخ‌گویی به افکار عمومی و «جنگ روایت‌ها» مربوط می‌شود. در جنگ‌های مدرن، اطلاعات دیگر صرفاً ابزار پشتیبان تصمیم‌گیری نیست، بلکه خود به یک سلاح راهبردی تبدیل شده است. هر بازیگری که بتواند روایت غالب را شکل دهد و ادراک عمومی را مدیریت کند، عملاً دست‌بر‌تر از در میدان نامرئی‌ها تعیین‌کننده جنگ به‌دست می‌آورد.

دوم، تاب‌آوری عملیاتی و ساختاری است که بر انعطاف‌پذیری در فر ماندهی، چابکی در تغییر تاکتیک‌ها، بازآرایی سریع نیروها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های غیرمتمرکز تأکید دارد. در محیطی که تهدیدها به‌صورت چندوجهی بروز می‌کنند، ساختارهای سخت و سلسله‌مراتبی غیرمنعطف به‌سرعت دچار فرسایش می‌شوند؛ در حالی که ساختارهای شبکه‌ای و منعطف، توان جذب شوک، بازسازی سریع و تداوم عملیات را دارند.

سوم، تاب‌آوری اقتصادی و انرژی است که در این جنگ نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، تهدید زیرساخت‌های حیاتی و فشار بر زنجیره‌های تأمین می‌تواند پیامدهایی فراتر از میدان نبرد داشته باشد و اقتصاد ملی و حتی اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، توان مدیریت منابع راهبردی، حفظ جریان تولید و توزیع و جلوگیری از بی‌ثباتی مالی، به یکی از ارکان اصلی قدرت ملی تبدیل می‌شود.

چهارم، تاب‌آوری اجتماعی و روانی است که به حفظ انسجام داخلی، کنترل فشارهای روانی ناشی از جنگ، مدیریت افکار عمومی و استمرار اعتماد اجتماعی به نهادهای حاکمیتی مربوط می‌شود. تجربه جنگ‌های معاصر نشان داده است که بدون پشتوانه اجتماعی و سرمایه اعتماد، حتی قدرت‌مندترین توان نظامی نیز در معرض فرسایش درونی قرار می‌گیرد.

در کنار این سطوح، عنصر یادگیری در حین بحران و جنگ نیز جایگاهی اساسی دارد. طرف‌های درگیر در این جنگ به‌طور مستمر در حال اصلاح تاکتیک‌ها، بازآزمایی در الگوهای عملیاتی و ارتقای ظرفیت‌های خود در سایه نوعی صبر راهبردی هستند و هر طرفی که از این ظرفیت بیشتر استفاده را خواهد داشت، سرعت تطبیق و توان اصلاح خواهد داشت. هم‌زمان، توان مدیریت بحران و تاب‌آوری جنگ، در این نوع جنگ، سرعت واکنش، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری مانند دلدل تجهیزات باربرتری کلاسیک‌نظلی، نتیجه یک خارج می‌شود و در برابر معادله جدیدی قرار می‌گیرد که در آن حواسه مردم و قدرت نظامی و چانه‌زنی هوشمندانه در یک جهت و در راستای تأمین منافع نه فقط ایران بلکه کل مقاومت منطقه حرکت می‌کنند.

مقاومت منطقه مشهود و در کل معادله جنگ

علیه متجاوزان اثر گذار است. از سوی دیگر، خلق حماسه بی‌بدیل و خستگی‌ناپذیر مردم در عرصه میدان خیابان‌ها، با نمایاندن جامعه واقعی ایرانی در رسانه‌های خار‌جی، یک بار‌دارندگی چند منظوره را ایجاد نقطه‌ای است که دیپلماسی مقاومت را از حالت تدافعی خارج می‌کند و آن را به ابزاری تهاجمی برای تثبیت موفقیت‌های میدانی تبدیل می‌نماید. بنابراین، طبق این فرایند، روند دیپلماسی در آنچه که دشمن می‌خواهد یعنی آتش بس تحمیلی خارج می‌شود و در برابر معادله جدیدی قرار می‌گیرد که در آن حواسه مردم و قدرت نظامی و چانه‌زنی هوشمندانه در یک جهت و در راستای تأمین منافع نه فقط ایران بلکه کل مقاومت منطقه حرکت می‌کنند.

مقاومت منطقه مشهود و در کل معادله جنگ

علیه متجاوزان اثر گذار است. از سوی دیگر، خلق حماسه بی‌بدیل و خستگی‌ناپذیر مردم در عرصه میدان خیابان‌ها، با نمایاندن جامعه واقعی ایرانی در رسانه‌های بیگانه و خار‌جی، یک بار‌دارندگی چند منظوره را ایجاد نقطه‌ای است که دیپلماسی مقاومت را از حالت تدافعی خارج می‌کند و آن را به ابزاری تهاجمی برای تثبیت موفقیت‌های میدانی تبدیل می‌نماید. بنابراین، طبق این فرایند، روند دیپلماسی در آنچه که دشمن می‌خواهد یعنی آتش بس تحمیلی خارج می‌شود و در مرحله پس‌جنگ، به‌درستی درک و صیقلت شود و برای ارتقا و نهادهی‌سازی آن برنامه‌ریزی هدفمند صورت گیرد.

^[1] رمزپیروزی در جنگ رمضان